بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد ارتداد 1](#_Toc428090778)

[ادعای اکراه 1](#_Toc428090779)

[مناقشه در استدلال فوق 1](#_Toc428090780)

[انواع حکم 2](#_Toc428090781)

[تطبیق بحث 2](#_Toc428090782)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc428090783)

[قاعده درع در این مقام 2](#_Toc428090784)

# حد ارتداد

# ادعای اکراه

در قبال این ادعا مباحثی در جلسه گذشته مطرح شد، در اینجا ممکن است کسی ادعا کند که با استصحاب می‌توان عدم اکراه را ثابت کرد و به دنبال آن حد ارتداد ثابت شود. در اینجا موضوع مرکب از دو امر است و این دو جزء باید احراز شود تا حکم ثابت شود. منتها احراز این دو جزء گاهی بالوجدان است.

اثبات ارتداد بالوجدان و بالعیان بوده و حالت عدم اکراه استصحاب می‌شود. در مواردی که احتمال اکراه در قبال فرد وجود دارد، با استصحاب حد بر فرد ثابت می‌شود. در اینجا این‌گونه ادعای استصحاب شده است.

# مناقشه در استدلال فوق

اما در قبال استدلال فوق مناقشه‌ای شده است که از جانب آقای فاضل صورت گرفته است که استصحاب در اینجا حد مثبت است لذا در اینجا جاری نمی‌شود.

## انواع حکم

برخی از احکام دارای یک مفهوم و برخی دارای دو مفهوم هستند. در اینجا قسم اول موردبحث ماست. و قسم دوم به اقسامی منقسم می‌شود که گاهی به نحو مزجی بسیط و گاهی به نحو اجتماعی و ترکیبی است. استصحاب اگر از نوع بسیط و حالت مزجی باشد، استصحاب عدم یک جزء یا وجود یک جزء هیچ فرقی نمی‌کند و نمی‌تواند اثبات موضوع کند، چون اصل مثبت است.

اما اگر حالت اجتماعی بود، دو مفهومی که در موضوع اخذشده است، یکی بالوجدان موضوع را ثابت می‌کند و دیگری با اصل که دیگر در اینجا اصل مثبت نیست. ثمره این بحث نیز درجایی است که یک حکم می‌خواهد با استصحاب ثابت شود.

## تطبیق بحث

در این مقام، موضوع ارتداد است در حالتی که اکراه نیز وجود ندارد، یعنی دلیل اقتضاء می‌کند که این حکم برای کسی باشد که مکره نیست. دیدگاهی که در اینجا وجود دارد این است که استصحاب در اینجا از نوع دوم است. اما آقای فاضل در این مقام اشکال داشتند که اصل مثبت است. در حقیقت می‌توان گفت، استدلال کنندگان چنین دیدگاهی دارند که در اینجا موضوع به‌صورت واو عطف است و نافین آن نیز، عقیده دارند که موضوع به صورتی بسیط است.

در اینجا مشکل این است که دو قید در یک دلیل وارد نشده است که بتوان تشخیص داد که از کدام قسم است.

## اتخاذ مبنا

در اینجا نظر ما این است که می‌توان استصحاب را جاری نمود، لذا استدلال آقای فاضل در اینجا جاری نیست چراکه در اینجا اصل مثبت نیست.

## قاعده درع در این مقام

مناقشه دومی که در اینجا وجود دارد، این است که قاعده درع مانع از اجرای استصحاب در اینجا می‌شود.